

گرایش به حزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی نگرش به تأثیر حزب بر رفتار حزبی)

عبدالحسین ضمیری^۱

سیدرضا صالحی امیری^۲

سروش فتاحی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۰

چکیده

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی احزاب یکی از نیروهای اجتماعی مهم و مؤثر در فرآیندهای سیاسی به شمار می‌آیند؛ به گونه‌ای که فضای سیاسی جوامع مدرن بدون احزاب قابل تصور نیست. از سوی دیگر بر نقش احزاب در فرآیند توسعه سیاسی و تعمیق دموکراسی بسیار تأکید شده است. در این پژوهش نگرش نمایندگان دوره های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی - به عنوان یک از ارکان مهم نظام سیاسی - به نقش حزب در توسعه سیاسی، و تأثیر این نگرش بر رفتار سیاسی آنان مورد سنجش قرار گرفته است. ماهیت تحقیق حاضر از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است و نوع تحقیق، توصیفی، از نوع پیمایشی می‌باشد. در این تحقیق واحد تحلیل، فرد است. پژوهشگر، به داده‌ای گردآوری شده از نمایندگان دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی توجه نموده و پاسخ هر یک از پاسخ دهندگان، به عنوان یک مأخذ اطلاعات فردی، مورد تحلیل و سنجش قرار گرفته است. اعضای جامعه آماری در این پژوهش نمایندگان دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی می‌باشند. یافته‌های تحقیق نمایانگر وجود همبستگی محسوس میان نگرش مثبت به نقش احزاب در توسعه سیاسی، و گرایش به فعالیت حزبی است. به عبارت دیگر، بخش قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان مجلس ششم و هفتم، بر این باورند که احزاب و حزب نقش مثبت و کارآمدی در فرآیند توسعه سیاسی دارند، از سوی دیگر نگرش مثبت به تأثیر حزب بر توسعه سیاسی، بر رفتار سیاسی نمایندگان نیز تأثیر مثبت نهاده و نمایندگانی که به نقش مثبت احزاب در فرآیند توسعه سیاسی باور داشته‌اند در عمل نیز به فعالیت حزبی گرایش بیش تری نشان داده‌اند.

واژگان کلیدی: حزب، توسعه سیاسی، دموکراسی، نهادمندی، نهاد نمایندگی.

۱- دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

dr.salehiamiri@gmail.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در دنیای معاصر دموکراسی شیوه مطلوب و مشروع اداره جامعه تلقی می‌گردد اکنون دیگر محل بحث مطلوب یا مطلوب نبودن اصل دموکراسی نیست، بلکه مسأله این است که بهترین و اصیل‌ترین شکل آن کدام است (جی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). دموکراسی انواع و اشکال متنوع و مختلفی دارد. دو شکل مهم دموکراسی عبارت‌اند از دموکراسی مستقیم و دموکراسی نمایندگی. دموکراسی مستقیم به آن نظام‌های سیاسی اشاره دارد که در آن‌ها شهروندان خود به وضع قوانین می‌پردازند، و نه آن که نمایندگان را از جانب خود برای وضع قوانین انتخاب کنند. البته در آتن - ۲۵۰۰ سال پ. م - که الگوی این سیستم است، دموکراسی مستقیم نه تنها در فرآیند قانون‌گذاری، بلکه درباره جنبه اداری حکومت نیز به اجرا در می‌آمد و بیش‌تر وظایف مقامات اداری را خود شهروندان معمولی اجرا می‌کردند (لییست، ۱۳۸۳: ۷۰۰).

به باور اکثر متفکرین طرفدار دموکراسی نمایندگی، تعمیق این سیستم و بهبود عملکرد آن مستلزم وجود سازمان‌ها و تشکیلاتی است که فرآیندهای پیچیده رأی‌گیری و نمایندگی را سامان داده و در امر نماینده‌گزینی به افراد جامعه آگاهی و اطلاعات لازم، و پیشنهادات مفید ارائه دهند. این امر زمینه شکل‌گیری احزاب را فراهم آورده است. از نظر میخلز که پژوهشی عمیق در زمینه احزاب سیاسی انجام داده است وجود دموکراسی بدون سازمان (و احزاب) متصور نیست (میخلز، ۱۳۸۱: ۲۱) هم‌چنین، دانشمندان علوم اجتماعی در بررسی عناصر قدرت تأکید می‌نمایند سازمان در کنار شخصیت و مالکیت از عناصر اساسی قدرت می‌باشد، و احزاب یکی از مهم‌ترین انواع سازمان‌ها، به شمار می‌آیند (کالبرایت، ۱۳۸۱: ۵۴).

به باور برخی نویسندگان رابطه متقابل میان دموکراسی، تحزب و نمایندگی چنان است که «واژه دموکراسی نمایندگی، خصلت دموکراسی دولت حزبی را به خود گرفته است؛ به عبارت دیگر، این نوعی دموکراسی است که بر پایه احزاب به مثابه واحدهای رفتارگر سیاسی بنا شده و در آن‌ها عناصر ترکیب‌کننده واجب، یعنی عناصر پویا همگرایی سیاسی منعکس است» (روریش، ۱۳۷۲: ۱۶۵).

با توجه به تأثیرات متقابل نهاد نمایندگی، تحزب و توسعه سیاسی بر یکدیگر، این نوشته در پی واکاوی نگرش نمایندگان دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی و تأثیر این نگرش بر رفتار سیاسی آنان است. جهت پیشبرد تحقیق ضروری است ابتدا مفاهیم و متغیرهای مورد سنجش در تحقیق ایضاً گردیده و مورد واکاوی قرار گیرند. بنابراین ابتدا به واکاوی مفاهیم توسعه سیاسی، تحزب، و تأثیر احزاب بر توسعه سیاسی می‌پردازیم. در ادامه با بهره‌گیری از نظریات مطرح در روان‌شناسی اجتماعی به تحلیل تأثیر نگرش بر رفتار کنشگران انسانی می‌پردازیم.

پیش از آنکه به واکاوی مفاهیم مربوط به تحقیق پرداخته شود، عمده‌ترین پژوهش‌های مربوط به نقش احزاب در توسعه سیاسی را مرور می‌نماییم:

بشیریه (۱۳۸۲) در کتاب «دیبچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی»، به بررسی نقش نیروهای اجتماعی و احزاب مرتبط با آن‌ها در فضای سیاسی ایران پرداخته، و تأکید می‌نماید جامعه ایران با توجه به وجود شکاف‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دارای تمایلات کثرت‌گرایانه بوده و به تبع، ظرفیت تکوین احزاب مختلف در حول این شکاف‌ها را دارد.

جاسبی و پریزاد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «آسیب‌شناسی نقش احزاب در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی» تلاش کرده‌اند تا با کمک دستگاه فکری ساموئل هانتینگتون و استفاده از معیارهای نهادمندی در الگوی نظری او، سطح نهادمندی حزب جمهوری اسلامی را مورد ارزیابی قرار دهند. به باور آن‌ها، این حزب با آنکه پس انقلاب نقش مهمی در مرتفع کردن بحران‌ها و مشکلات کشور داشته و حزبی فراگیر و منحصر به فرد در تاریخ کشور بوده، پایدار نمانده است؛ زیرا این حزب بر اساس معیارهای پذیرفته شده در احزاب غربی، فاقد برخی از نهادمندی‌ها بود.

زامجد (۱۳۸۸) در کتاب «ایران، از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری» ضمن بررسی تحولات سیاسی- اجتماعی دوران پهلوی دوم، نشان داده است که رژیم شاه بنا به توصیه‌های مشاورانی که تحت تأثیر مکتب نوسازی بودند در صدد برآمد برای جلوگیری از بروز بحران سیاسی، حزبی فراگیر را برای ایجاد زمینه مشارکت سیاسی مردم تأسیس نماید، اما در عمل، به دلیل ماهیت استبدادی رژیم و روش‌های آمرانه آن، تأسیس حزب رستاخیز نه تنها زمینه جلب و جذب مشارکت مردم را فراهم نیاورد بلکه موجب تشدید ناراضیاتی از رژیم گردید.

مرور آثار فوق نشان می‌دهد موضوع مورد نظر این نوشته تاکنون مورد واکاوی قرار نگرفته و انجام چنین پژوهش‌هایی جهت تبیین مسأله مورد نظر، ضروری می‌نماید. با توجه به موضوع پژوهش، نگارنده رویکرد هانتینگتون در باب رابطه میان احزاب و توسعه سیاسی را برای پیشبرد پژوهش حاضر وافی به مقصود دانسته و از این‌رو از دیدگاه هانتینگتون جهت مبنای نظری پژوهش بهره برده است. هم‌چنین جهت تبیین تأثیر نگرش نمایندگان نسبت به حزب، بر رفتار آنان، از نظریات فیشباین و آیزن در تبیین رابطه نگرش و رفتار بهره برده است.

هانتینگتون تأکید دارد نهادها الگوهای رفتاری پایدار، ارزشمند و تکرار شونده‌اند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۳). از نظر وی نهادمند شدن فراگردی است که سازمان‌ها و شیوه‌های عملی، با آن ارزش و ثبات می‌یابند. سطح نهادمندی هر نظام سیاسی را می‌توان با تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام نهادها تعیین کرد (همان: ۲۴). از نظر هانتینگتون نوسازی و توسعه موجب دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی مانند شهری شدن، بالا رفتن سطح سواد، صنعتی شدن و توسعه وسایل ارتباط جمعی شده، که این‌ها به نوبه خود باعث افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی گردیده، و خواست و میل به مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهند. در این دگرگونی‌ها معیارهای ارزش‌های سنتی و منابع مشروعیت سنتی کم‌رنگ می‌گردند. چنانچه نظام سیاسی نتواند به بحران‌های مختلف ناشی از نوسازی مانند بحران مشروعیت،

مشارکت و... پاسخ مناسب دهد، جامعه دچار آشفتگی گردیده و به سوی هرج و مرج و نابسامانی میل می‌نماید. نظام سیاسی جهت پاسخ دادن به مطالبات جامعه در حال دگرگونی، بایستی اقدام به ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی نماید که بتوانند مطالبات و تمایل به مشارکت را سازماندهی کرده و آن را نهادینه نمایند. مهم‌ترین این سازمان‌ها، احزاب سیاسی هستند.

از سوی دیگر از نظر هانتینگتون نهادهای سیاسی علاوه بر بعد ساختاری، بعد اخلاقی نیز دارند. جامعه‌ای که نهادهای سیاسی ضعیفی داشته باشد، توانایی مهار کردن آرزوهای شخصی و تنگ‌نظرانه را ندارد. در چنین جامعه‌ای، سیاست، قلمروهای رقابت فروکش‌ناپذیر میان نیروهای اجتماعی - رقابت انسان و انسان، خانواده با خانواده، کلان با کلان، منطقه با منطقه، و طبقه به طبقه - است، قوم و خویش پرستی غیراخلاقی در جامعه واپس‌مانده، مشابه‌هایی مانند کلان‌پرستی، طبقه‌پرستی و گروه‌پرستی غیراخلاقی نیز دارد. اخلاقیات جامعه به اعتماد وابسته است و اعتماد مستلزم پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است، پیش‌بینی‌پذیری منوط به وجود الگوهای رفتاری تنظیم شده و نهادمند است. بدون وجود نهادهای سیاسی نیرومند، جامعه وسیله‌ای برای تصریح و تشخیص مصالح همگانی‌اش ندارد. ظرفیت ایجاد نهادهای سیاسی، در واقع همان ظرفیت ایجاد مصالح همگانی است (همان: ۴۱). لذا بر مفهوم نهادمندی تأکید می‌نماید. از نظر وی «بنیادی‌ترین جنبه نوسازی سیاسی، اشتراک سیاسی مردم در سطحی بالاتر از دهکده یا شهر و دخالت گروه‌های اجتماعی سراسر جامعه در سیاست و ساخته و پرداخته شدن نهادهای سیاسی نوین برای سازمان دادن این اشتراک است» (همان: ۵۹) چنانچه نهادینه شدن وقوع نیاید، دگرگونی‌های رخ داده در جریان نوسازی، به نابسامانی جامعه منجر می‌گردند. بنابراین یکی از الزامات اساسی جهت تعمیق و گسترش توسعه سیاسی در ایران، ایجاد و گسترش نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی از جمله احزاب و موسسات مردم نهاد، است.

مکتب رفتارگرایی بر آن است که انسان به مثابه یک ارگانیسم صرفاً به محرک‌های محیطی واکنش نشان می‌دهد. از نظر رفتارگرایان انسان را باید به منزله یک دستگاه درون داد- برون داد، در نظر گرفت و نباید کاری به دنیای درونی (فعل و انفعالات درونی و ذهنی و ...) انسان داشت. (آردیلا و بونژه، ۱۳۹۰: ۳۰۰). از نظر منتقدان، رفتارگرایی دنیای غنی درونی انسان که شامل عواطف، نگرش‌ها، اراده و آگاهی است، نادیده گرفته و نقش این عوامل را در شکل‌گیری رفتار فرد مورد غفلت قرار داده است. در مقابل، در رویکرد شناختی به نقش فرآیندهای شناختی از قبیل حافظه و تفکر و ... توجه می‌شود. در این راستا رفتار مشهود فرد حاصل تعامل پیچیده و متقابل عواطف، تفکر و سایر عوامل درونی است. از این دیدگاه در کنار عوامل عاطفی، عوامل شناختی نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار دارند (شولتس، ۱۳۷۵: ۱۷).

با توجه به آنچه آمد برای درک و بررسی تأثیر نگرش نمایندگان مجلس نسبت به تحزب، بر رفتار سیاسی آنان، از رویکردهای تحلیل نگرش در روان‌شناسی اجتماعی سود جستیم. از دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی نگرش در واقع به ارزیابی هر جنبه‌ای از جهان اجتماعی اطلاق می‌شود (بارون، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

فرد بدون نگرش گیج می‌شود. نگرش‌ها تعیین می‌کنند که به چه چیزهایی فکر کنیم، چه چیزهایی را ببینیم و چه کارهایی انجام دهیم. بدین ترتیب نگرش به دنیای افراد معنا می‌بخشد (فرانزوی، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

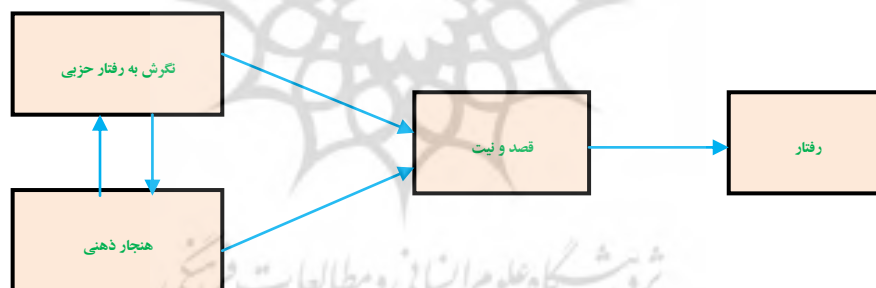
سوالی که برای روان‌شناسان اجتماعی مطرح گردیده، این است که نگرش؛ کی، کجا و چگونه بر رفتار مؤثر واقع می‌شود. از نظر آنان یکی از مؤلفه‌های مهم در نگرش - و ظاهراً یکی از پراهمیت‌ترین آن‌ها - که از آن به عنوان عاملی مؤثر بر رفتار می‌توان نام برد، قدرت یا نیرومندی نگرش است. هر قدر نگرش نیرومندتر باشد به همان نسبت تأثیر آن بر رفتار بیش‌تر است. واژه نیرومندی نگرش معنای گوناگونی دارد. از جمله: اهمیت آن، میزان دانش فرد از موضوع نگرش و میزان دسترسی ذهنی فرد به موضوع. یافته‌های آیزن و دیگر محققان نشان می‌دهد همه این مؤلفه‌ها بر میزان قدرتمندی نگرش مؤثر هستند (بارون، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

یافته‌های پژوهشگران مؤید این امر است که نگرش‌های «شدید» بیش از سایر نگرش‌ها در ایجاد رفتار دخیل هستند. همچنین تحقیقات نشان داده است دست‌یافتنی بودن نگرش موجب اثرگذاری عمیق‌تر و موثرتر آن بر رفتار می‌گردد. نگرش دست‌یافتنی به نگرشی گفته می‌شود که با تجربه مستقیم تشکیل شده باشد. تجربه مستقیم باعث می‌شود فرد با هر سه مؤلفه نگرش یعنی آگاهی، احساس و رفتار، درگیر شود. بدین ترتیب تجربه مستقیم، تأثیر نگرش بر رفتار را قوی‌تر می‌نماید (آیزن، ۱۳۷۴: ۱۱۵).

چنان‌که اشاره گردید، از نظر فیشباین و آیزن مردم قبل از هرگونه عملی به پیامدهای رفتارشان فکر می‌کنند. به عبارت دیگر رفتار برای رسیدن به برخی نتایج صورت می‌گیرد و شناخت فرآیند اصلی در تشکیل نگرش است. به نظر این دو پژوهشگر با کشف مقاصد دیگران در هر وضعیت می‌توانیم رفتارشان را پیش‌بینی کنیم. طبق این دیدگاه مقاصد رفتاری نقش مهمی در رفتارها دارند؛ یعنی تصمیمات هشیارانه‌ای که برای انجام برخی کنش‌ها می‌گیریم. بنابراین نگرش‌ها از طریق تأثیر بر مقاصد، روی رفتارها تأثیر می‌گذارند (فرانزوی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). از نظر آیزن و فیشباین دو دسته عوامل در ارتباط باهم در تعیین مقاصد فرد دخالت دارند. از طرفی باورهایی که نسبت به پیامدهای کارش در او شکل می‌گیرد و از نوع ارزشگذارانه هستند در اعتقاد او به موفقیت یا عدم موفقیت کاری که در پیش گرفته است، خلاصه می‌شوند. این باورها گرایش را نسبت به کار موردنظر تعیین می‌کنند. از طرف دیگر باورهای پیچیده‌ای است که براساس گمان فرد شکل می‌گیرد. گمان در مورد نتایجی که به نظر دیگران نصیب او خواهد شد و احترامی که خود به این نظر خواهد گذاشت. این باورها تعیین‌کننده هنجارهای ذهنی فرد هستند. با وجود این، گرایش نسبت به کاری که فرد پیش گرفته و هنجارهای ذهنی که او در سر می‌پرورد مستقیماً قصد انجام کار را در او به وجود نمی‌آورند. ارزیابی فرد نسبت به اهمیت نسبی هنجارها نیز در انجام کار ضروری است (آلا فیلپ، ۱۳۸۶: ۳۶).

همان گونه که ذکر شد، در ارتباط با این امر که چگونه نگرش‌ها می‌توانند رفتار عمدی را پیش‌بینی کنند نظریه‌ای از سوی فیشباین و آیزن طرح شده که به نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده موسوم است. بر اساس این نظریه بهترین تبیین‌کننده رفتار، قصد و نیت افراد است و آن هنگامی شکل می‌گیرد که فرد درباره آنچه که می‌خواهد انجام دهد فرصت کافی برای فکر کردن داشته باشد.

آنچه که از نظریه فیشباین و آیزن قابل استنتاج است این نکته می‌باشد که طراحان این نظریه در پی یافتن یک نظریه تبیینی رفتار خاص، به نقش نگرش اشاره می‌کنند. از نظر آنها قصد^۱ که متغیر تبیین‌کننده رفتار است از دو متغیر دیگر تشکیل می‌شود. نگرش به آن رفتار^۲ و هنجار ذهنی^۳. متغیر اول یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار را از نظر خودش ارزیابی می‌کند و درباره خوبی یا بدی یا موافقت و مخالفت با آن به قضاوت می‌نشیند. متغیر دوم بازتابی از فشار و نفوذی است که اجتماع بر فرد وارد می‌سازد و شخص در انجام آن کار خاص فشار و نفوذ را بر روی خود احساس می‌کند (آیزن، ۱۳۷۴: ۱۹۵). با توجه به نظرات آیزن و فیشباین در باب رابطه نگرش و رفتار، نگرش مثبت نمایندگان مجلس نسبت به نقش مؤثر احزاب در توسعه سیاسی، و تأثیر این نگرش بر رفتار آنان در گرایش مثبت به حزب، با بهره‌گیری از نظریات آیزن و فیشباین قابل تبیین است.



شکل (۱): الگوی تبیین رفتار حزبی بر اساس مدل فیش باین و آیزن

روش

ماهیت تحقیق حاضر از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است و نوع تحقیق، توصیفی، از نوع پیمایشی می‌باشد. این تحقیق در محیط طبیعی سازمان‌ها و نهادهایی که به نوعی در سیاست‌گذاری‌ها دخیل می‌باشند با حداقل دخالت پژوهشگر در جریان طبیعی مسائل و عملکردهای سازمانی، صورت گرفته است. به لحاظ قلمرو زمانی، داده‌های اطلاعاتی یک بار، در طی یک دوره، به منظور پاسخ به پرسش‌های

- 1- Intention
- 2- Attitude toward the behavior
- 3- Subjective norm

گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

پژوهش، گردآوری شده اند، در نتیجه بررسی مقطعی بوده و افق زمانی این تحقیق از نوع تک مقطعی می‌باشد. در این تحقیق واحد تحلیل، فرد است. پژوهشگر، به داده‌های گردآوری شده از نمایندگان دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی توجه نموده و پاسخ هر یک از پاسخ دهندگان، به‌عنوان یک مأخذ اطلاعات فردی، مورد تحلیل و سنجش قرار گرفته است. اعضای جامعه آماری در این پژوهش نمایندگان دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی می‌باشند که تمامی آن‌ها به نوعی در سیاست‌گذاری‌های کشور دخیل بوده و از سابقه سیاسی کافی برخوردارند. تعداد جامعه آماری عبارتند از:

جدول (۱): توزیع فراوانی جامعه و نمونه مورد پژوهش

ردیف	دوره مجلس	تعداد نمایندگان	نمونه مورد پژوهش
۱	دوره ششم	۳۳۳	۱۲۳
۲	دوره هفتم	۳۳۳	۱۲۳
	جمع نمونه مورد پژوهش		۲۴۶

در تحقیق حاضر برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. از آنجا که پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است، بنابراین، هم‌چون بسیاری از مطالعات توصیفی در این تحقیق به منظور جمع‌آوری نظرات نمونه‌های مورد نظر، از پرسشنامه استفاده شده است. جهت اجرای پرسشنامه، با توجه به ماهیت موضوع و جامعه آماری تحقیق و هم‌چنین مرور مطالعات انجام شده در موضوع تحقیق، پرسشنامه به صورت حضوری و الکترونیکی طراحی گردید.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ در این قسمت یافته‌های توصیفی پرسشنامه و مؤلفه‌های تحقیق که هر کدام از جمع چند گویه به دست می‌آید ارائه خواهد شد.

الف) گرایش به تحزب: گرایش به تحزب در این تحقیق با ۱۴ گویه سنجیده شده که در ادامه شاخص گرایش به تحزب نمایندگان ارائه می‌شود. از جمع ۱۴ گویه، شاخص گرایش به تحزب نمایندگان ساخته شده است که نتایج آن در جدول شماره ۲ منعکس شده است. نتایج جدول زیر حاکی از آن است که ۲۲ درصد پاسخگویان (که از نمایندگان مجلس ششم و هفتم بوده‌اند) گرایش حزبی زیادی داشته‌اند. ۶۱ درصد به گزینه تا حدودی پاسخ داده‌اند (گرایش متوسط) و ۱۷/۱ درصد به میزان کم گرایش حزبی داشته‌اند. میانگین گرایش حزبی پاسخگویان برابر با ۵۰/۸۱ است که تقریباً مساوی نقطه وسط طیف است. بنابراین می‌توان گفت گرایش حزبی نمایندگان مجالس ششم و هفتم در حد متوسط بوده است.

جدول (۲): توزیع پاسخگویان بر حسب گرایش به تحزب

میانگین (۰-۱۰۰)	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
	-	-	-	خیلی کم
	۱۷/۱	۱۷/۱	۴۲	کم
۵۱/۸۱	۶۱/۰	۶۱/۰	۱۵۰	تا حدودی
	۲۲/۰	۲۲/۰	۵۴	زیاد
	-	-	-	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۴۶	جمع

ب) نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر مشارکت سیاسی و مردم سالاری: این مؤلفه از جمع ۱۳ گویه، شاخص نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر مؤلفه مشارکت سیاسی و مردم سالاری را سنجیده است. یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۳۴/۱ درصد پاسخگویان بر این باورند احزاب تأثیر زیادی بر مشارکت سیاسی و مردم سالاری دارند. ۴۶/۳ درصد این تأثیر را متوسط و در نهایت ۱۹/۵ درصد این تأثیر را کم می‌دانند. میانگین ارزیابی پاسخگویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۵۲ است که اندکی از نقطه وسط طیف بالاتر است.

جدول (۳): توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش به تأثیر احزاب بر مشارکت سیاسی و مردم سالاری

انحراف معیار	میانگین (۰-۱۰۰)	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
		۴/۹	۴/۹	۱۲	خیلی کم
		۱۴/۶	۱۴/۶	۳۶	کم
۱۴/۲	۵۲/۰۲	۴۶/۳	۴۶/۳	۱۱۴	تا حدودی
		۳۴/۱	۳۴/۱	۸۴	زیاد
		-	-	۰	خیلی زیاد
		۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۴۶	جمع

ج) نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر تحرک اجتماعی: این مؤلفه با ۷ گویه ذیل سنجیده شده که از جمع گویه‌ها، شاخص نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر مؤلفه تحرک اجتماعی ساخته شده است. یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۱۴/۶ درصد پاسخگویان معتقدند احزاب تأثیر زیادی بر تحرک اجتماعی دارند. ۵۳/۷ درصد این تأثیر را متوسط و ۳۱/۷ درصد این تأثیر را کم می‌دانند. میانگین ارزیابی پاسخگویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۴۵/۶۷ است که از نقطه وسط طیف کم‌تر است.

جدول (۴): توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش به تأثیر احزاب بر تحرک اجتماعی

انحراف معیار	میانگین (۰-۱۰۰)	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
		۴/۹	۴/۹	۱۲	خیلی کم
		۳۶/۸	۳۶/۸	۶۶	کم
۱۴/۷	۶۷/۴۵	۵۳/۷	۵۳/۷	۱۳۲	تا حدودی
		۱۲/۲	۱۲/۲	۳۰	زیاد
		۲/۴	۲/۴	۶	خیلی زیاد
		۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۴۶	جمع

گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

(د) نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر بعد رفتاری توسعه سیاسی: این شاخص با ۸ گویه سنجیده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۵ منعکس شده است. از جمع ۸ گویه، شاخص نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر بعد رفتاری توسعه سیاسی ساخته شده است. یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که حدود ۵۸ درصد پاسخگویان تأثیر احزاب بر بعد رفتاری توسعه سیاسی را زیاد و خیلی زیاد می‌دانند. ۲۳/۷ درصد این تأثیر را متوسط و در نهایت ۱۸/۵ درصد این تأثیر را کم می‌دانند. میانگین ارزیابی پاسخگویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۵۹/۹۶ است که از نقطه وسط طیف بالاتر است.

جدول (۵): توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش به تأثیر احزاب بر بعد رفتاری توسعه سیاسی

فراوانی	درصد	درصد معتبر	میانگین (۰-۱۰۰)	انحراف معیار
خیلی کم	۱۲	۴/۹	۵/۳	۱۹/۴
کم	۳۰	۱۲/۲	۱۳/۲	
تا حدودی	۵۴	۲۲/۰	۲۳/۷	
زیاد	۱۲۰	۴۸/۸	۵۲/۶	
خیلی زیاد	۱۲	۴/۹	۵/۳	
بی پاسخ	۱۸	۳/۷	-	
جمع	۲۴۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

(ه) نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر مؤلفه‌های ساختاری توسعه سیاسی: این مؤلفه با ۱۴ گویه سنجیده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۶ ارائه می‌شود. از جمع ۱۴ گویه، نگرش نمایندگان به تأثیر احزاب بر ابعاد ساختاری توسعه سیاسی ساخته شده است. یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۴۷/۵ درصد از نمایندگان تأثیر احزاب بر مؤلفه‌های ساختاری توسعه سیاسی را زیاد و خیلی زیاد می‌دانند. ۴۲/۵ درصد این تأثیر را متوسط و ۱۰ درصد این تأثیر را کم می‌دانند. میانگین ارزیابی پاسخگویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۵۹.۶۳ است که از نقطه وسط طیف بالاتر است.

جدول (۶): توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش به تأثیر احزاب بر ابعاد ساختاری توسعه سیاسی

فراوانی	درصد	درصد معتبر	میانگین (۰-۱۰۰)	انحراف معیار
خیلی کم	۶	۲/۴	۲/۵	۱۷/۳
کم	۱۸	۷/۳	۷/۵	
تا حدودی	۱۰۲	۴۱/۵	۴۲/۵	
زیاد	۱۰۲	۴۱/۵	۴۲/۵	
خیلی زیاد	۱۲	۴/۹	۵/۰	
بدون پاسخ	۶	۲/۴	-	
جمع	۲۴۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

(و) نگرش پاسخگویان به تأثیر احزاب بر توسعه سیاسی: این شاخص از جمع ۴۳ گویه ساخته شده است که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است. یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۴۱/۵ درصد از نمایندگان تأثیر احزاب بر توسعه سیاسی را زیاد می‌دانند. ۴۸/۸ درصد این تأثیر را متوسط

و ۹/۷ درصد این تأثیر را کم می‌دانند. میانگین ارزیابی پاسخگویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۵۶/۶۷ است که از نقطه وسط طیف بالاتر است.

جدول (۷): توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش به تأثیر احزاب بر توسعه سیاسی

فرآوانی	درصد	درصد معتبر	میانگین (۱-۵)	انحراف معیار
خیلی کم	۶	۲/۴	۵۶/۶۷	۱۴/۱
کم	۱۸	۷/۳		
تا حدودی	۱۲۰	۴۸/۸		
زیاد	۱۰۲	۴۱/۵		
خیلی زیاد	-	-		
جمع	۲۴۶	۱۰۰/۰		

یافته‌های استنباطی؛ جدول زیر نتایج آزمون t تک نمونه را نشان می‌دهد. میانگین ابعاد «مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری»، «رفتاری» و «ساختاری» توسعه سیاسی و خود متغیر توسعه سیاسی به طرز محسوس بالاتر از میانگین متغیر طیف است. به این معنی که پاسخگویان معتقدند گسترش احزاب باعث ارتقاء ابعاد مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری، رفتاری و ساختاری توسعه سیاسی و خود متغیر توسعه سیاسی می‌شود.

جدول (۸): بررسی نتیجه آزمون t تک نمونه برای بررسی میزان متغیرها و تفاوت آن با میانگین معیار

متغیر	میانگین	انحراف معیار	T	تفاوت میانگین متغیر از میانگین معیار	معناداری
گرایش به تحزب	۵۰/۸۱	۱۰/۸۸۹	۱/۱۷۳	۰/۸۱	۰/۲۴۲
مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری	۵۲/۰۲	۱۴/۲۸۴	۲/۲۲۱	۲/۰۲	۰/۰۲۷
تحرك اجتماعی	۴۵/۶۷	۱۴/۷۰۸	-۴/۶۱۴	-۴/۳۳	۰/۰۰۰
رفتاری	۵۷/۹۶	۱۹/۳۶۵	۷۷/۷۶۸	۹/۹۶	۰/۰۰۰
ساختاری	۵۹/۶۳	۱۷/۰۳۵	۸۸/۶۷	۹/۶۳	۰/۰۰۰
توسعه سیاسی	۵۶/۶۷	۱۴/۱۳۰	۷/۴۰۲	۶/۶۷	۰/۰۰۰

هم‌چنین میانگین مؤلفه تحرك اجتماعی به طرز معناداری کم‌تر از میانگین معیار است. به این معنی که پاسخگویان معتقدند تأثیر احزاب بر تحرك اجتماعی کم‌تر از حد متوسط است. میانگین متغیر گرایش به تحزب برابر با ۵۰/۸۱ است که مساوی نقطه وسط طیف است و طبق نتایج آزمون t تک نمونه تفاوتی با میانگین معیار ندارد. بنابراین می‌توان گفت میانگین متغیر گرایش به تحزب متوسط است.

بررسی رابطه گرایش به تحزب و نگرش به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی: در این قسمت بر اساس نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین گرایش به تحزب و نگرش به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی بررسی شده است.

جدول (۹): بررسی نتیجه ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین گرایش به تحزب و نگرش به احزاب

گرایش به تحزب	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری	تحرك اجتماعی	رفتاری	ساختاری	توسعه سیاسی
معدااری	۰/۰۰۰	۰/۲۸۶	۰/۰۲۰	۰/۴۷۱	۰/۲۴۰	۰/۳۰۳
		۰/۰۰۰	۰/۷۵۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

گرایش به حزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود گرایش به حزب با تمام ابعاد نگرش به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی به جز مؤلفه تحرک اجتماعی رابطه مستقیم و متوسط دارد. شدت همبستگی بین گرایش به حزب و نگرش به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی برابر با $0/33$ است که نشان می‌دهد هر چه نگرش فرد به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی مثبت‌تر باشد گرایش به حزب نیز بیش‌تر می‌شود.

مقایسه گرایش به حزب و نگرش به حزب در بین نمایندگان دوره های ششم و هفتم: برای مقایسه گرایش به حزب و نگرش به حزب در بین نمایندگان مجلس ششم و هفتم از آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول بعدی منعکس شده است.

جدول (۱۰): آزمون t با دو گروه مستقل، برای بررسی تفاوت نمایندگان مجلس ششم و هفتم از نظر گرایش به حزب و نگرش به حزب

متغیرها	دوره مجلس	تعداد	میانگین	T	معناداری
گرایش به حزب	۶	۱۲۳	۵۴/۹۸	۶/۴۸۹	۰/۰۰۰
	۷	۱۲۳	۴۶/۶۵		
مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری	۶	۱۲۳	۵۷/۸۸	۶/۴۸۹	۰/۰۰۰
	۷	۱۲۳	۴۸/۱۸		
تحرک اجتماعی	۶	۱۲۳	۴۸/۸۶	۶/۴۶۹	۰/۰۰۱
	۷	۱۲۳	۴۲/۴۹		
رفتاری	۶	۱۲۳	۶۵/۷۳	۴/۵۴۳	۰/۰۰۰
	۷	۱۲۳	۵۴/۶۸		
ساختاری	۶	۱۲۳	۶۲/۷۸	۲/۹۴۷	۰/۰۰۴
	۷	۱۲۳	۵۶/۴۸		
توسعه سیاسی	۶	۱۲۳	۶۰/۴۱	۴/۳۰۴	۰/۰۰۰
	۷	۱۲۳	۵۲/۹۲		

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود هم در متغیر گرایش به حزب و هم در مؤلفه‌های نگرش به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی، نمایندگان مجلس ششم نسبت به نمایندگان مجلس هفتم نمره بالاتری کسب کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت بر اساس نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل نمایندگان مجلس ششم نسبت به نمایندگان مجلس هفتم گرایش بیش‌تری به حزب و نگرش مثبت‌تری به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی دارند.

مقایسه گرایش به حزب و نگرش به حزب در بین زنان و مردان: برای مقایسه گرایش به حزب و نگرش به حزب در بین زنان و مردان از آزمون t با دو نمونه مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است.

جدول (۱۱): بررسی نتیجه آزمون t با دو گروه مستقل برای بررسی تفاوت زنان و مردان از نظر گرایش به تحزب و نگرش به تحزب

معناداری	T	میانگین	تعداد	جنسیت	
۰/۹۵۹	-۰/۰۵۱	۵۱/۰۹	۲۰۴	مرد	گرایش به تحزب
		۵۰/۹۹	۳۶	زن	
۰/۰۱۱	۲/۶۵۲	۵۳/۰۰	۲۰۴	مرد	مؤلفه اول
		۴۵/۰۳	۳۶	زن	
۰/۰۰۰	۵/۲۵۹	۴۷/۲۳	۲۰۴	مرد	تحرك اجتماعی
		۴۷/۰۳	۳۶	زن	
۰/۰۰۱	۳/۵۱۰	۶۱/۸۳	۱۹۲	مرد	رفتاری
		۴۵/۷۱	۳۰	زن	
۰/۱۲۲	۱/۵۵۴	۶۰/۱۳	۲۰۴	مرد	ساختاری
		۵۵/۳۲	۳۶	زن	
۰/۰۰۱	۳/۴۳۲	۵۷/۶۹	۲۰۴	مرد	توسعه سیاسی
		۴۹/۰۷	۳۶	زن	

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود هم در متغیر گرایش به تحزب و هم در مؤلفه‌های نگرش به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی (به جز مؤلفه ساختاری) مردها نسبت به زنان نمره بالاتری کسب کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت بر اساس نتایج آزمون t با دو نمونه مستقل، مردان نسبت به زنان گرایش بیشتری به تحزب و نگرش مثبت‌تری به تأثیر احزاب در توسعه سیاسی دارند.

نگرش به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی بر رفتار حزبی نمایندگان؛ برای بررسی تأثیر نگرش به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی بر رفتار حزبی نمایندگان از معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده شده است. در این مرحله ابتدا ضرایب لامبدا برای دو متغیر مکنون (نگرش به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی و رفتار حزبی نمایندگان) و متغیرهای آشکار مربوط به آن گزارش می‌شود تا مشخص شود آیا متغیرهای آشکار در نظر گرفته شده متغیر پنهان مورد نظر را منعکس می‌کنند یا خیر. سپس به تأثیر متغیر نگرش به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی بر رفتار حزبی نمایندگان پرداخته خواهد شد:

الف) آیا متغیرهای آشکار در نظر گرفته شده برای متغیر مکنون نگرش به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی متغیر مورد نظر را منعکس می‌کند؟

برای پاسخ به این سؤال از تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS استفاده شده است. ارزیابی مدل اندازه‌گیری در لیزرل و آموس بر اساس ضرایب لامبدا (بارهای عاملی) صورت می‌پذیرد که حکایت از ارتباط هر سازه (متغیر مکنون) با معرف‌هایش (متغیرهای آشکار) دارد. در این مرحله مؤلفه‌های چهارگانه در نظر گرفته شده برای نگرش (مشروعیت و مردم‌سالاری، ساختاری، رفتاری و تحرك اجتماعی) به عنوان متغیرهای آشکار در نظر گرفته شده است. ضرایب لامبدا به دست آمده در نمودار و جدول زیر نشان می‌دهد که کلیه معرف‌های مربوط به ابعاد نگرش اولاً بزرگتر از حد نصاب ۰/۳ بوده و ثانیاً کاملاً معنادار هستند. این‌ها شواهدی برای اعتبار معرف‌های در نظر گرفته شده برای متغیر نگرش محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر تأیید می‌کنند معرف‌های مورد استفاده برای نگرش منعکس کننده سازه مورد نظر هستند.

گرایش به حزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

جدول (۱۲): برآوردهای اندازه‌گیری سازه نگرش به تأثیر حزب بر توسعه سیاسی

معماری	ضریب لامبدا	معرفها	سازه
۰/۰۰۰	۰/۴۵	مشارکت و مردم سالاری	نگرش به تأثیر توسعه سیاسی بر حزب
۰/۰۰۰	۰/۳۰	تحریک	
۰/۰۰۰	۰/۶۰	رفتاری	
۰/۰۰۰	۰/۶۰	ساختاری	

ب) آیا متغیرهای آشکار در نظر گرفته شده برای متغیر مکنون گرایش به حزب (رفتار حزبی نمایندگان) متغیر مورد نظر را منعکس می‌کند؟

برای پاسخ به این سؤال نیز همانند متغیر قبلی از تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم‌افزار AMOS استفاده شده است. ضرایب لامبدا به دست آمده در نمودار و جدول زیر نشان می‌دهد که کلیه معرف‌های مربوط به ابعاد گرایش به حزب اولاً بزرگتر از حد نصاب $0/3$ بوده و ثانیاً کاملاً معنادار هستند. این‌ها شواهدی برای اعتبار معرف‌های در نظر گرفته شده برای متغیر گرایش به حزب محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر تأیید می‌کنند معرف‌های مورد استفاده برای گرایش منعکس کننده سازه مورد نظر هستند.

جدول (۱۳): برآوردهای اندازه‌گیری سازه گرایش به حزب (رفتار حزبی نمایندگان)

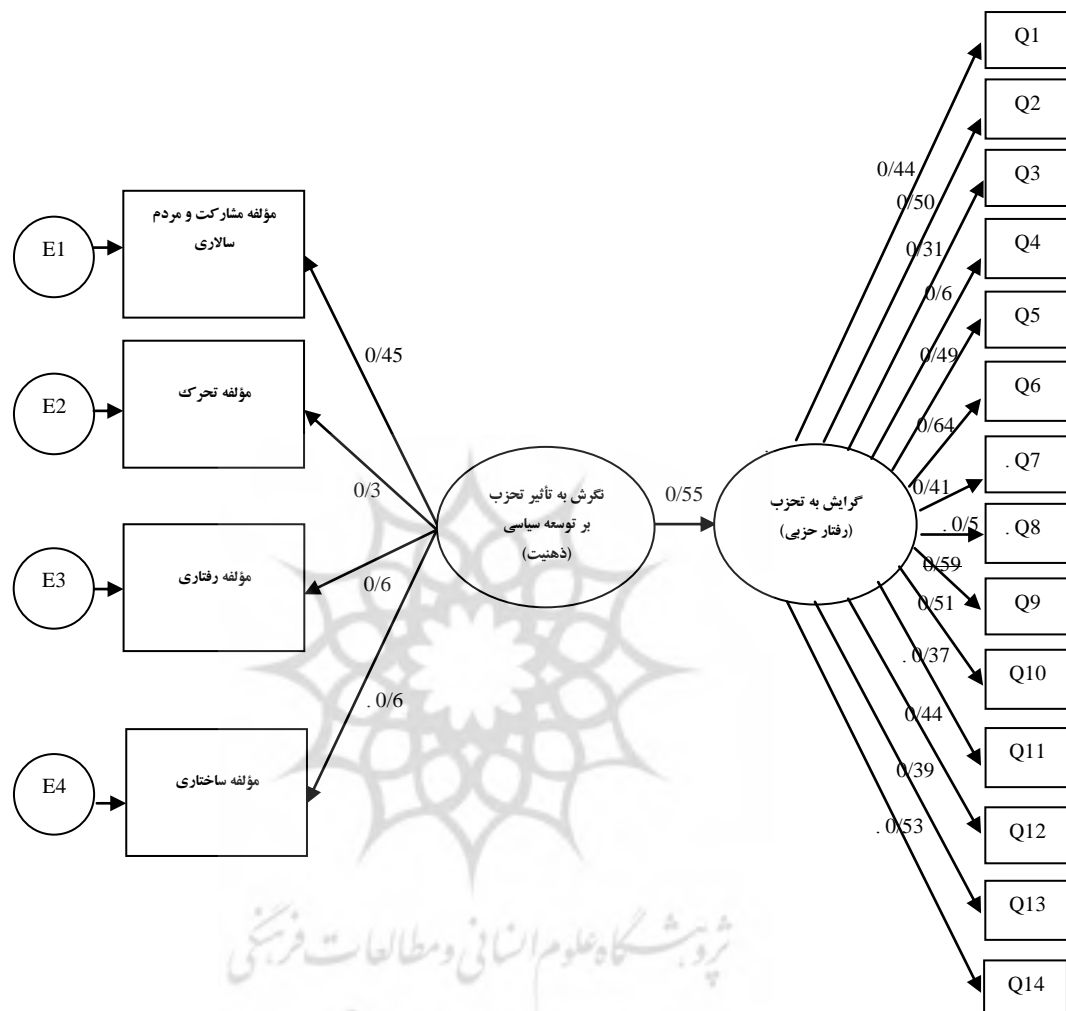
معماری	ضریب لامبدا	معرفها	سازه
۰/۰۰۰	۰/۴۵	مشارکت و مردم سالاری	گرایش به حزب (رفتار حزبی نمایندگان)
۰/۰۰۰	۰/۳۰	تحریک	
۰/۰۰۰	۰/۶۰	رفتاری	
۰/۰۰۰	۰/۶۰	ساختاری	

ج) متغیر نگرش به تأثیر حزب بر توسعه سیاسی به چه میزان بر گرایش به حزب (رفتار حزبی نمایندگان) تأثیر گذار است؟

همان‌طور که در مدل مشاهده می‌شود ضریب استاندارد رگرسیون برابر با $0/55$ است که نشان دهنده تأثیر علی متغیر نگرش بر رفتار حزبی نمایندگان است. به عبارت دیگر به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر نگرش $0/55$ واحد انحراف استاندارد تأثیر در متغیر رفتار حزبی نمایندگان ایجاد می‌شود. ضریب تبیین برابر با $0/3$ است که نشان می‌دهد ۳۰ درصد از تغییرات متغیر گرایش به حزب (رفتار حزبی نمایندگان) توسط متغیر نگرش به تأثیر حزب بر توسعه سیاسی تبیین می‌شود. که این ضرایب به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

جدول شماره (۱۴): بررسی تأثیر نگرش بر رفتار حزبی نمایندگان

معماری	ضریب تبیین	Beta	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳	۰/۵۵	گرایش به حزب (رفتار حزبی نمایندگان)	نگرش به تأثیر حزب بر گرایش حزبی نمایندگان



بحث و نتیجه گیری

تحلیل داده‌های عینی بدست آمده نمایانگر آن است که طیف قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی، بر این باورند که احزاب و تحزب نقش مثبت و کارآمدی در فرآیند توسعه سیاسی دارند، از سوی دیگر نگرش مثبت به تأثیر حزب بر توسعه سیاسی، بر رفتار سیاسی نمایندگان نیز تأثیر مثبت نهاده و نمایندگانی که به نقش مثبت احزاب در فرآیند توسعه سیاسی باور داشته‌اند در عمل نیز به فعالیت حزبی بیشتر نشان داده‌اند. در پایان، راهبردها و راهکارهایی زیر جهت توسعه و تقویت فعالیت‌های حزبی در ایران پیشنهاد می‌شود:

گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

- ۱) فعال و ساختارمند شدن احزاب موجود.
- ۲) تقویت نظام مالی احزاب بر اساس کمک‌های مردمی از طریق اختصاص بخشی از مالیات اعضا به حزب.
- ۳) حضور حزبی در فعالیتهای انتخاباتی گوناگون همراه با ارائه برنامه.
- ۴) تقویت نظام حقوقی فعالیت احزاب بر مبنای به رسمیت شناختن جرم سیاسی.
- ۵) تصویب قوانین شفاف و حمایت کننده در مجلس شورای اسلامی برای استحکام بنیاد احزاب.
- ۶) مقابله با احزاب فصلی و تعیین ساز و کاری برای ابطال مجوز احزاب غیرفعال و احزاب فصلی.
- ۷) گنجانیدن سرفصلی در دروس مدارس و دانشگاه‌ها برای تبیین جایگاه تحزب در قانون اساسی.
- ۸) گسترش رسانه‌های حزبی و نشریات رسمی آن‌ها.
- ۹) شکل‌گیری احزاب بر مبنای جریان‌های اصلی جامعه.
- ۱۰) تقویت و بازسازی احزاب با توجه به میزان فعالیت هدفمند و تأثیرگذاری و سازمان‌یافتگی آن‌ها در کشور.
- ۱۱) شکل‌گیری و بازتعریف نظام انتخاباتی بر مبنای انتخابات حزبی به ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای شهر.
- ۱۲) حمایت از احزاب شناسنامه‌دار به جای محدود کردن آن‌ها.
- ۱۳) تبیین تأثیرگذاری احزاب در تثبیت و استقرار مردم‌سالاری دینی در کشور از طریق رسانه‌ها.
- ۱۴) تقویت جنبه‌های غیر دولتی کمیسیون احزاب و موظف کردن احزاب به ارائه گزارش عملکرد خود به دبیرخانه این کمیسیون.

منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۰). مبانی سیاست، تهران: انتشارات توس.
- آجودانی، ماشاالله. (۱۳۸۳). مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۶). علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، نشریه زمانه، شماره ۶۶.
- اکبری، کمال. (۱۳۸۸). نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی، نشریه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۴۷.
- آگ برن و نیم‌کف. (۱۳۵۰). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی امیرحسین آریان‌پور، تهران: نشر دهخدا.
- آردیلا، روبین و ماریو بونژه. (۱۳۹۰). فلسفه روانشناسی، ترجمه‌ی محمدجواد زارعان و همکاران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۳). تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۲۰)، تهران: انتشارات سمت.

- آلفیلیپ، دانیل و کاملیری، کارمل. (۱۳۸۵). درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- آل‌غفور، محمدتقی. (۱۳۸۹). تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی بر توسعه سیاسی، پایان‌نامه دکتری دانشگاه امام صادق (ع).
- آلموند، گابریل؛ بینگهام، پاول جونیور، رابرت جی. مونت. (۱۳۸۱). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- امجد، محمد. (۱۳۸۰). ایران؛ از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه‌ی حسین مفتخری، تهران: انتشارات باز.
- آیزن، ایساک. (۱۳۷۴). نگرش، شخصیت و رفتار، ترجمه‌ی جعفر نجفی زند، تهران: نشر دانا.
- بارون، رابرت. (۱۳۸۹). روان‌شناسی اجتماعی، علمی تحصیلی، تهران: نشر آمه.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران؛ دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- سفیری، مسعود. (۱۳۷۹). کالبدشکافی خشونت، تهران: نشر نی.
- پریزاد، رضا و جاسبی، عبدالله. (۱۳۹۴). نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی، نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۷۹). کامیابی و ناکامی‌های توسعه سیاسی در سراب سازندگی، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- جی، ریچارد. (۱۳۸۵). دمکراسی، در مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه‌ی محمد قائد، تهران: نشر مرکز.
- حسینی، حسین. (۱۳۷۸). حزب و توسعه سیاسی، تهران: نشر آمن.
- دارمالینگام، تیرومورتی و جاندران لاکشمانا. (۱۳۸۷). آموزش بهداشت [اجتماعی]، ترجمه‌ی فروغ شفیعی و اذن‌الله آذرگشب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دوورژه، موریس. (۱۳۶۷). احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نقوذ، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، دانشگاه تهران.
- دوورژه، موریس. (۱۳۷۹). اصول علم سیاست، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، تهران: نشر دادگستر.
- راش، مایکل. (۱۳۹۳). جامعه و سیاست، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رحیمی، حسین. (۱۳۷۸). نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۴.

گرایش به حزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر ...

- روریش، ویلفرد. (۱۳۷۱). سیاست به مثابه علم، ترجمه‌ی ملک یحیی صلاحی، تهران: انتشارات سمت.
- ساعی، احمد. (۱۳۸۴). توسعه در مکاتب متعارض، تهران: نشر قومس.
- سرزعی، علی. (۱۳۹۶). پوپولیسم ایرانی، تهران: نشر کرگدن.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۲). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۶۸). دگرگونی و نوسازی سیاسی، تهران: نشر سفیر.
- شفیعی‌فر، محمد. (۱۳۹۴). روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی، نشریه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۱.
- شولتس، دوان. (۱۳۷۵). روان‌شناسی کمال، ترجمه‌ی گیتی خوشدل، تهران: نشر البرز.
- فارسون، سمیع و مشایخی، مهرداد. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی، ترجمه‌ی معصومه خالقی، تهران: نشر باز.
- قادری، حاتم. (۱۳۸۱). آزادی وجدان مفهومی پسا پیامبری، تهران: نشر اختران.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۷). ما ایرانیان، تهران: نشر نی.
- فرانزوی، استفن. (۱۳۸۵). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، تهران: نشر رسا.
- کدی، نیکی. (۱۳۶۹). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم.
- کدی، نیکی. (۱۳۸۳). نتایج انقلاب ایران، تهران: ققنوس.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران.
- کولائی، الهه و مزارعی، یوسف. (۱۳۹۵). نوسازی و حزب (مطالعه موردی دولت هاشمی رفسنجانی). نشریه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۲.
- گالبرایت، جان کنت. (۱۳۸۱). آناتومی قدرت، ترجمه‌ی محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.
- گلشن پروژه، محمدرضا. (۱۳۷۸). جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- لیپست، سیمور مارتین. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف دمکراسی، جمعی از مترجمان، تهران: انتشارات وزارت خارجه.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، تابستان ۱۳۹۸

- مدیر شانه‌چی، محسن. (۱۳۷۹). تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی در ایران معاصر، تهران: نشر رسا.
- مور، برینگتون. (۱۳۷۵). ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نشر دانشگاهی.
- موسوی سرچشمه، مرضیه السادات. (۱۳۸۹). رابطه توسعه سیاسی و تحزب در جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه نهادمندی هانتینگتون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- میخلز، ربرت. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی احزاب سیاسی، ترجمه‌ی احمد نقیب زاده، تهران: نشر قومس.
- میرسپاسی، علی. (۱۳۸۱). دموکراسی یا حقیقت، تهران: انتشارات طرح نو.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۷۸). حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران: نشر دادگستر.
- نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر توتیا.
- وبر، ماکس. (۱۳۹۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه‌ی عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد، مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات سمت.
- وینر، مایرون، ساموئل هانتینگتون. (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی، جمعی از مترجمان، پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، تهران: محسن ثلاثی، نشر علم.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۹). تحول سیاسی در جهان سوم، در درک توسعه سیاسی، جمعی از مترجمان، پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۵). موج سوم دموکراسی، ترجمه‌ی احمد شهسا، تهران: نشر روزنه.
- هی وود، اندرو. (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم، نشر نی، تهران.

- Razi, G.H. (1970). Genesis of party in Iran: A case study of Intraction between political system and political party. Iran studies.